

## خوب، جهان را ببین

برگرفته از ترجمه نهج البلاغه

نثر: ساده وران

## واژه های مهم

عظمت: بزرگی

انباشته شده: جمع شده

برافراشته: بلند کرده

خزان: پاییز

زر: طلا

ناب: خالص

جلوه: ظاهر، پیدایی

کاکل: تاج

شکاف: سوراخ

خالق: آفریننده

بی همتا: بی مانند

اسرار: رازها

پرتو: روشنایی

حدقه: کاسه چشم، مردمک چشم

دفع: دور کردن

جثه: اندام، بدن

فراز: بلندی، بالا

درهم آمیخته: ترکیب شده

## صور تگرماهر

شاعر: قآنی شیرازی

قالب شعر: قصیده

اثر: پریشان

## بیت اول:

راستی را کس نمی داند که در فصل بهار از کجا گردد پدیدار، این همه نقش و نگار؟

نور روان: به راستی کسی نمی داند که در فصل بهار، اینهمه زیبایی از کجا به وجود آمده است؟

## بیت دوم:

عقلها حیران شود کز خاک تاریک نژند چون برآید این همه گل های نغز کامکار؟

حیران: متعجب نژند: سرد و بی روح چون: چگونه نغز: خوب و نیکو

کامکار: کامروا، خوشبخت

نثر روان: عقل انسان متعجب می‌شود که چگونه از این خاک تاریک و سرد، اینهمه گل‌های زیبا و خوش رنگ به وجود آمده است؟

✿ عقل‌ها حیران شود: ← تشخیص

بیت سوم:

چون نپرسی کاین تمائیل از کجا آمد پدید؟      چون نجویی کاین تصاویر از کجا شد آشکار؟

✿ تمائیل: تصویرها      ✿ چون: چرا

نثر روان: چرا نمی‌پرسی که اینهمه تصاویر زیبا از کجا به وجود آمده‌اند؟ چرا جستجو نمی‌کنی که اینهمه تصاویر از کجا آمده‌اند؟

بیت چهارم:

برق از شوق که می‌خندد بدین سان قاه قاه؟      ابر از هجر که می‌گرید بدین سان زار زار؟

✿ هجر: دوری      ✿ قاه قاه: صدای بلند خنده      ✿ زار زار: با ناله گریستن

نثر روان: رعد و برق از اشتیاق چه کسی با صدای بلند می‌خندد؟ ابر از دوری چه کسی اینگونه زار زار گریه می‌کند؟

✿ می‌خندد و می‌گرید: ← متضاد      ✿ خندیدن و گریه کردن ابر: ← تشخیص

بیت پنجم:

کیست آن صورتگر ماهر که بی تقلید غیر      این همه صورت برد بر صفحه هستی به کار؟

✿ صورتگر: نقاش ( منظور از صورتگر: خداوند )      ✿ صورت: نقش      ✿ صفحه هستی: دنیا، جهان

نثر روان: آن نقاش ماهر و توانا چه کسی است که بدون تقلید از دیگران، اینهمه نقش و نگار در جهان به کار برده است؟

✿ صفحه هستی: ← تشبیه « هستی به صفحه تشبیه شده است »

« مفهوم بیت: خداوند، بزرگ ترین نقاش طبیعت است. »

## دانش ادبی: تشبیه و ارکان تشبیه

تشبیه: وقتی کسی یا چیزی را به چیز دیگر، مانند می‌کنیم، از تشبیه استفاده کرده‌ایم.

مانند:

\* مادرم مانند گل زیبا است. \* دلش مانند دریا، بخشنده است.

ارکان تشبیه: هر تشبیه چهار رکن دارد:

۱. **مُشَبَّه:** کلمه‌ای است که آن را به چیز دیگر، شبیه و مانند کرده‌اند. مشبه معمولاً در ابتدای جمله می‌آید.

۲. **مُشَبَّه بَه:** چیزی که مشبه، به آن شبیه و مانند شده است.

۳. **وجه شَبَه:** کلمه‌ای است که شباهت بین مشبه و مشبه به را بیان می‌کند.

۴. **آدات:** به کلمات { مثل، مانند، همچون، چون، همانند، بسان، چو، چونان و... } که نشانگر تشبیه هستند، آدات می‌گویند.

**مثال:**

\* تنش چون بید، لرزان است. {تنش: مشبه - چون: آدات - بید: مشبه به - لرزان: وجه شبه}

\* علی (ع) مانند شیر، شجاع است. {علی: مشبه - مانند: آدات - شیر: مشبه به - شجاع: وجه شبه}

\* موهایش همچون برف، سپید شده است. {موهایش: مشبه - همچون: آدات - برف: مشبه به - سپید: وجه شبه}

\* ایام گل، چو عمر، به رفتن شتاب کرد. {ایام گل: مشبه - چو: آدات - عمر: مشبه به - به رفتن شتاب کرد: وجه شبه}

**نکته:** گاهی اوقات، رکن سوم و چهارم در تشبیه، حذف می‌شود.

**مثال:**

درخت دوستی {درخت: مشبه ---- دوستی: مشبه به ---- دوستی به درخت، شبیه شده است.}

باران رحمت {باران: مشبه ---- رحمت: مشبه به ---- رحمت به باران، شبیه شده است.}